

پاسخ به توییت ترامپ

ترامپ در توییتی مدعی شده ؛ (ایران، برای تاسیسات آمریکایی مستقر در عراق در حال برنامه ریزی هست تا یک حمله ی غافلگیرانه انجام دهد...)

✍ بـقـلـم #پـرستـو_مـروـجـی ☐

توییت پرزیدنت ترامپ یک برداشتِ دو وجهی است .
■ برداشت کلی- ☐ پلنِ این توییت، نیروهای مقاومت عراق است.

وجه اول- ☐ تهدید دو جانبه برای ایران و نیروهای مقاومت عراق در پی حمله ی کوبنده نیروهای مسلح در پاسخ به شهادت سپهد سلیمانی

وجه دوم - ☐ دستِ پیش گرفتن تا احتمال حمله ی نیروهای مقاومت عراق را پاتک زدن

☐ نتیجه کلی- ایجاد جنگ روانی برای مردم عراق و کاشتن بذر نفرت در دل مردم عراق از ایران

مرزهای بی شرمی

مرزهای بی‌شرمی!

دونالد ترامپ در یک کنفرانس خبری در کاخ سفید گفت: به رهبران ایران اعلام کرده‌ام که آمریکا آماده است برای مقابله با ویروس کرونا به آنها کمک کند.

آقای ترامپ - بنده نوازی می‌فرمائید! خاصه خرجی می‌کنید! اما بی‌وجدان، کاش ارزشی هم شرم داشتید!

جناب‌عالی مردم ایران را گاو فرض کرده و صغیر انگاشته‌اید؟! پشتوانه شرف و اعتبار این ملت با فرهنگ، تمدنی ۷۰۰۰ ساله است که اندوخته‌ای از فضیلت و منزلت و عدلت و اخلاق و انسانیت را در انبان خود انباشته‌اند!

آقای پرزیدنت! مرزهای بی‌شرمی را در نوردیده‌اید! تصور کرده‌اید با رعایای خود طرفید که برای صله و اشرفی حاضر به خوش‌رقصی‌اند؟!

ایرانیان شاید تن به مسکنت بدهند اما تن به ذلت نمی‌دهند تا
بمنظور تحصیل دست تفقد حضرتعالی کاسه تکدی محبت به دست گیرند!
پیرمرد - شرم کن! تو خودت برای ایرانیان یک ویروسی! ویروسی
بمراتب خطرناک‌تر از کرونا. بی‌آزرمانه پاک‌ترین و ناب‌ترین و
زلال‌ترین و شجاع‌ترین «قاسم سلیمانی» شان را ترور کردی و ۴ سال است
در خبیثانه‌ترین شکل ممکن یک ملت را با تروریسم اقتصادی در
«کمند تحریم» گروگان گرفته‌ای و اکنون صورتک نوع‌دوستی و
ایرانی‌نوازی بر چهره می‌زنید!

مستر پرزیدنت - جناب‌عالی به قوت این توفیق را یافتی تا نام
«دونالد ترامپ» را در حافظه تاریخی نه تنها ایرانیان بلکه در
حافظه تاریخی جهانیان به برند سفاهت توام با شرارت مبدل کنید!
آقای ترامپ! کمک‌هایت پیش‌کش! مردم ایران گردن آن مسئول‌شان را
می‌شکنند که بخواهند از دستان آغشته جناب‌عالی به خون پاک‌ترین
فرزندشان، صله دریافت کنند.
یگانه توقع ایرانیان تحویل حضرتعالی به عدلیه‌ای است تا به اتهام
ریاست بزرگ‌ترین دولت تروریستی جهان محاکمه و مواخذه و مجازات
شوید!

کاش بی‌شرمی مرز داشت!
#داریوش_سجادی
#قاسم_سلیمانی
#دونالد_ترامپ
#ویروس_کرونا

تکرار تاریخ !

تکرار تاریخ!
خبرگزاری آسوشیتدپرس روز گذشته پیرامون سفر «اسماعیل قآنی»
فرمانده سپاه قدس به عراق نوشته: یکی از مسائلی که آقای قآنی در
سفرش به عراق مطرح کرده مخالفت ایران و سپاه پاسداران با نخست
وزیری عدنان زرفی است.
از سوی دیگر ترامپ نیز در واکنش به حضور «قآنی» در عراق هشدار
داده «اگر ایران اقدامی علیه آمریکا بکند، بهای سنگینی خواهد
پرداخت»

اخبار ارسالی از عراق حاکی از تحولاتی زیر پوستی است که هرآئینه می‌تواند صفحه شطرنج سیاسی این کشور را دچار تحول نماید. هر چند ایران و آمریکا از طرفین مهم در منازعه عراق محسوب می‌شوند اما این بمعنای هم‌ترازی طرفین نیست.

بدون تردید سفاقت ترامپ سرمایه ارزشمندی برای طرف ایرانی است تا از آن طریق با کمترین هزینه بتواند استقلال و ثبات سیاسی و منافع مردم عراق و مصالح منطقه‌ای مسلمانان را با حاذقیت تدبیر و مدیریت کند.

ایران در عراق قبل از اتکا به بازوی قدرتمند «سپاه قدس» مستظهر به مرجعیت شیعه خصوصا آیت‌الله سیستانی است. مزیت ایران در نزاع با واشنگتن آنجاست که ساکن کاخ سفید زردموی تاج‌پیشه‌ای است که فاقد سواد سیاسی و عمق مطالعاتی است. اگر ترامپ ارزشی شعور سیاسی در کنار اندکی مطالعات تاریخی داشت متوجه می‌شد تاریخ عراق تاریخ سلحشوری و مقاومت در مقابل اجنبی است.

انقلاب ۱۹۲۰ عراق با محوریت «میرزای شیرازی» قرینه وضعیت فعلی عراق است.

اگر میرزا در آن تاریخ با اتکا به حُریت عراقی و متابعت از مرجعیت، قرارداد «سایکس - پیکو» را بی‌وقعی و در مقابل «انتصاب فرمانداری کل برای عراق توسط انگلستان» فتوای جهادیه داد، اکنون نیز «سیستانی» قبل از «قاآنی» باید موجبات نگرانی ترامپ باشد. خصوصا آنکه «عدنان زرفی» نامزد محبوب واشنگتن قانونا شانیت و صالحیت برای تصدی مسسولیت نخست وزیری عراق را ندارد.

عدنان زرفی یک «دوتابعیتی» است که پیش‌تر متابعت و ذلت خود در مقابل ارباب آمریکائی را از طریق شرکت در مراسم تحلیف شهروندی اثبات و ابراز و احراز کرده و با بی‌شرمانه‌ترین شکل ممکن در مقابل قاضی دادگاه فدرال آمریکا و در وجد و بهجت و اشتیاق «آمریکائی شدن» رسماً سوگند خورده:

«تمامی وفاداری خود به هر پادشاه یا دولتمرد و دولت و حکومت و کشوری که تاکنون شهروند آن بوده را طرد کرده و در برابر کلیه دشمن داخلی و خارجی به دفاع و حمایت از قانون اساسی و قوانین آمریکا پرداخته و به آن ایمان و وفاداری واقعی بورزم و هنگامی که قانونا لازم شد برای دفاع از ایالات متحده تفنگ به دست گیرم»

ترامپ قبل از قاآنی از سیستانی بترسد که با نیم‌خط فتوا می‌تواند نسخه «عدنان زرفی» را بی‌یچد و این «غلام‌خانه» اهلی شده را بدون کمترین هزینه نظامی، ازاله بکارت سیاسی کند!

#داریوش سجادی

#ترامپ

خطای استدلال ضد انقلاب!

خطای استدلال ضد انقلاب!

خطای استدلال آیت‌الله خامنه‌ای عنوان مقاله‌ای است بقلم «شهیر شهید ثالث» در سایت تلویزیون فارسی BBC که نویسنده طی آن کوشیده در مقام نقد پیام نوروزی «آیت‌الله خامنه‌ای» ستیزندگی جمهوری اسلامی با زیاده‌خواهی آمریکا را در نقطه تباین رشد و توسعه اقتصادی ایران قرار دهد.

نویسنده در این مقاله هر چند شرح کشف کرده اما در مجموع کیفرخواست‌اش علیه جمهوری اسلامی برخوردار از عجز ادله است. پیش از ایشان نیز اتکالی ناکام به شاخصهای اقتصادی و الگوهای رشد و توسعه در نقد و نفی و رد کارنامه و عملکرد جمهوری اسلامی ایران بیت‌الغزل عموم نئولیبرال‌ها در داخل و خارج از کشور بوده است. ناکامی چنین احتجاجاتی ناشی از نادانی و بیدرکی حلاجان از گوهر و مومنتومی است که سوخت‌رسان موتور محرکه انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ بود و جمهوری اسلامی طی ۴۱ سال گذشته با اتکال به چنان گشت‌آوری، روئین‌تانه مانائی و پایداری کرده.

آن‌انکه از موضعی ناصحانه و گویشی دلسوزانه ایران را شماتت می‌کنند که ستیز با آمریکا نافی دست‌آورد تکنولوژیک و مانع تحصیل رشد و توسعه اقتصادی است التفاتی به آن ندارند که ایرانیان در ستیز با آمریکا دنبال آن نیستند تا چیزی به دست آورند، اهتمام ایشان دفاع از خود در مقابل زیاده‌خواهی آمریکا است تا چیزی را از دست ندهند. انقلاب اسلامی ۵۷ بنام روح‌الله خمینی سند خورده و همه دغدغه خمینی و انقلاب خمینی و انقلابیون خمینی حراست از خودباشی و حفاظت از هویت دینی و کیان و استقلال سیاسی ایران‌شان بود.

انقلاب خمینی برخلاف باورداشت مارکسیست‌ها با زیربنای اقتصادی برون‌ریخت نشد و هم‌چنانکه برخلاف فاهمه لیبرال‌ها دغدغه رشد اقتصادی نداشت تا اکنون آنها و اینها بتوانند چرائی و چگالی‌اش را

آندوسکوپى کنند!

هر گونه دانش و خوانشى از انقلاب اسلامى و جمهورى اسلامى بدون فهمى گشتالى از محوريت «معدلت انديشانه و معناگرايانه» فاقد وجاهت است.

انقلاب خمينى دغدغه آب و نان مردم را نداشت تا اكنون بتوان با شاخص GDP و GNP آن را برازندگى كرد. به صراحت بنیانگذار جمهورى اسلامى: دلخوش به آب و برق مجانى نباشيد ما به دنبال معنويات شما هستيم.

اين بمعناى بىاهميتى آب و نان مردم و نالازمى طى مدارج توسعه و رشد اقتصادى در ايران نيست.

موضوع بحث آنست كه شاخصهاى رشد و توسعه براى انقلاب اسلامى شايد طريقت داشته باشد اما موضوعيت ندارد!

هر دولتى در ايران و يا در هر كجائى جهان و بدون توجه به ساختار سياسى دمكراتيك يا غيردمكراتيك موجود در آن كشور و بدون توسل به انقلاب، رسالت ذاتىاش تامين مايحتاج و معيشت و رفاه شهروندان مىباشد و تحصيل آن «وظيفه حكومتها» است نه «موهبت حكومتها» تا از قبال دهش يا نبودش آن بتوان حكومتى را منقبت يا مذمت كرد.

تلخند ماجرا آنجاست كه واشنگتن راسا و در مقام تنبيه و به اتهام عدم متابعت ايران از تپاول و هژمونى آمريكائى با سلاح اقتصاد و تحميل شدائد معيشتى مىكوشد و كوشيده ايرانيان را در زمين فلاكت به استيصال و پشيمانى بكشاند و آنگاه پياده نظام رسانه‌اى و قلمداران تحت الامرش نيز بىمعرفتانه به ميدان آمده و جمهورى اسلامى را با شاخصهاى اقتصادى «هزينه - فايده» مىكنند و نسخه «نصرفيدن» را براى ايرانيان مىپيچند.

#دريوش_سجادی

#انقلاب_اسلامى

#روح_الله_خمينى

#تلويزيون_بى_بى_سى

#شهيد_شهيد_ثالث

دفن بیماران کرونایی

<http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2020/03/VID-20200330-WA0001.mp4>

لغو یا کاهش تحریم ها بخاطر کرونا

<http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2020/03/VID-20200328-WA0008.mp4>

از باشندها تا پاشندهها!

از باشندها تا پاشندهها! ...
حسن روحانی در کسوت ریاست جمهوری پیش از آنکه گزینش مردم باشد گماشته مرحوم هاشمی بود که بصراحت در فردای انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ اظهار داشت:
تا قبل از حمایت من، روحانی تنها ۵٪ رای داشت و با حمایت من رای روحانی ۵۰٪ افزایش یافت!
هاشمی با چنین اظهاراتی ضمن القای خود در قامت یک «کینگ میکر» و تخفیف روحانی، عملا وی را در قامت گماشته خود در ساختمان پاستور برسمیت شناساند و از طریق سیاست «مردی در سایه» معرکه گردان دولت تدبیر و امید شد.

اسفند ۷۶ و شش ماه بعد از پایان امپراطوری هاشمی در نهاد ریاست جمهوری، در مقاله «فراموشدگان» با اشاره به فرازی از کتاب «قهرمان در تاریخ» نوشتم:

سیدنی هوگ در کتاب «قهرمان در تاریخ» در توصیف شخصیت لنین می‌گوید:

لنین در استفاده کردن برای هدف‌هایش از کسانی که در صفوف حزب بودند ولی با نظراتش موافق نبودند استعداد بزرگی داشت. او می‌توانست با کسانی کار کند که بدون او نمی‌توانستند با یکدیگر کار کنند! قابلیت‌های هاشمی نیز طی دوران ریاست جمهوری‌اش این توانائی را بنحو احسن از خود نشان داد.

پنج ماه بعد از فقدان هاشمی رفسنجانی نیز در خرداد ۹۶ و در مقاله «محلل ناکام» گفتم:

در نبود هاشمی دیگر روحانی را نیز باید تمام شده تلقی کرد و «همه مردان هاشمی» از جمله روحانی در نبود «مقتدا» فاقد گرانیگاه شده و در «غیبت‌اش» آن گماشته‌گی دچار گمگشتگی شده که چون کشتی بی‌لنگر «کج می‌شد و مژ می‌شد» که شد! و از درون پاشید و مملکتی را پاشاند و از باشندگی برای اکبر به پاشندگی در نبود اکبر رسید!

#داریوش_سجادی

#حسن_روحانی

#هاشمی_رفسنجانی

پادتن‌های سیاسی!

پادتن نوعی پروتئین است که در دستگاه ایمنی بدن بصورت طبیعی تولید و به مضاف باکتری یا ویروس موجود در بدن می‌رود.

پادتن‌های سیاسی را نیز می‌توان اندیشه‌ها و تئوری‌هایی از مملکداری تلقی کرد که به مضاف ملوک و مملکدارانی می‌رود که فاقد شایستگی و استانداردهای مملکداری‌اند و نقش آلترناتیو برای رژیم حاکم را عهده‌داری می‌کنند.

بر این اساس و با خوانش مخالفان جمهوری اسلامی اگر فرض را بر فقدان صلاحیت حکومت در ایران قرار داده و جمهوری اسلامی از پلشت‌ترین و فاسدترین و مستبدترین و ناصالح‌ترین و جنایتکارترین حکومت‌های جهان محسوب انگاشته شود! آنگاه جای این پرسش باقی است

که علیرغم همه سیئات و ظلمات و ضایعات و بی‌صلاحیتی‌های مفروض انگاشته شده برای جمهوری اسلامی چرا در عمل و طی این ۴۱ سال هیچ اندیشه آلترناتیو و مدل جایگزین نتوانسته در ایران ریشه داده و جوانه بزند؟!

چرا اپوزیسیون با فرض‌انگاشت بی‌کفایتی و بی‌صلاحیتی حکومت طی این مدت نتوانسته رسالت پادتن‌اش را انجام داده و حتی یک شخصیت یا ظرفیتی را از خود برون‌داد نکرده که اشک شوق در چشم مخاطب بنشانند و بتواند راهی فریباتر و دلرباتر و جذاب‌تر را به مخاطب عرضه کند و موجبات همگرایی و اقبال ایرانیان شود.

با گذشت ۴۱ سال از حکومت عصاره فضل و دانش و بینش اپوزیسیون در ایران شده «من و تو» و «رقص یادت نره» و «بشکن و بالا بنداز» و ژنرال‌هایشان نیز مجانی‌اند از قبیل ساسی مانکن و سالی تاک و مشتی فسیل‌های فریز شده در ۵۷ و تاکسیدرمی شده در اباحت!

#داریوش سجادی

واضعان خشونت!

مصاحبه اخیر خبرآنلاین با «عباس عبدی» در رابطه با نتیجه انتخابات مجلس، صرف‌نظر از محتوا از منظر پاتالوژیک شاخصی از کژراهه «خویش‌بیش‌بینی» و «متفرع‌نامه‌ای» است که تالی فاسد اصلاحات و اصلاح‌طلبان در ایران شد و این جنبش بالنده را به غمزه مسئله‌آموز صد متکبر کرد!

عبدی در این مصاحبه و در پاسخ به توفیق جذب آرای خاکستری توسط اصولگرایان در انتخابات اسفند گذشته می‌گوید:

رای اصولگرایان رأی خاکستری نبود، رأی خاک بر سر بود(!) آخر در تهران با حدود ۲۲ درصد مشارکت چه چیزی را باید پیروزی نامید؟ و اگر کسی این موضوع ساده را متوجه نشود باید معلولیت فکری برای او در نظر گرفت(!)

هر چند اظهارات عبدی طعنه به رقابتی نبودن انتخابات است اما فلتات زبانش قرینه شعاری است که از عمق تنفر و تفرعن در فردای پیروزی حسن روحانی توسط پایگاه اجتماعی اصلاح‌طلبان در سطح شهر و با این مضمون ابراز شد:

بدون هیچ دلیلی - خاک تو سر جلیلی(!)

اصلاح‌طلبی با چنین خوانشی مبنای زایش و پردازش و گدازش عنصر خشونت است که تصادفاً اصلاحات خود را نافی آن معرفی می‌کرد و اکنون همان اصلاحیون با چنین انانیتی خواسته یا ناخواسته دامن زننده حلقه بسته خشونت جدلی‌الطرفینی در زمین رقابت‌های سیاسی ایران شده‌اند. در ۸۸ نیز همین آزموده مبنای جنگی مغلوبه بین طرفین شد و آنموقع نوشتیم و اکنون نیز بازنوشت می‌کنم:

خشونت در موسع‌ترین تعریف ناظر بر قول یا فعلی است که توسط آن عنصر خشونت‌ورز «عواطف یا جوارح» فرد یا افراد را مورد جراحت قرار می‌دهد. بر مبنای این تعریف با «مشت و لگد و چماق» بینی کسی را شکستن همان قدر خشونت است که با «فحش و متلک و ناسزا» روح و روان و عواطف و احساسات و شخصیت کسی را خوار و تحقیر و تخفیف کردن! خشونت‌ورزی از طریق جریحه‌دار کردن روحیات رقیب و هل دادن ایشان به تنگنای واکنش، هم‌تراز با تعریف خشونت و بالتبع بازتولید خشونت در سیکل بسته و هم‌افزای تحقیر و زنجیراست. خشونت امری خلق‌الساعه نیست تا در خلاء بجوشد و برای اعمال خشونت ابتدا باید تولید نفرت کرد تا به اقتضای آن بتوان غول خشونت را از بطری خارج کرد!

#داریوش_سجادی

#عباس_عبدی

#اصلاحات

#انتخابات_مجلس

#اصولگرایان

#خشونت

شورای نگهبان در دیگر کشورها...

<http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2020/01/V>

[ID-20200131-WA0011.mp4](http://yasinasr.ir/wp-content/uploads/2020/01/V)